

شبکهٔ مضمونی مدارا در جامعه

از منظر قرآن کریم*

مرضیه محسن^۱
 زهره کوچک یزدی^۲

چکیده

تغییرات و دگرگونی‌های پدید آمده در جامعه، گسترهای اجتماعی متعددی را پدید آورده و بالتبع کنش‌های نامطابقی در سپهر اجتماعی ایجاد کرده است، با توجه به اینکه مدارا به مثابه یک فضیلت اخلاقی، یکی از ابزارهای بنیادین ترویج فرهنگ هم‌گرایی در جامعه به شمار می‌آید، بدون تردید بازآذانی‌شی در عوامل زمینه ساز تعامل مدارا محور بر اساس مضماین قرآنی، بهبود روابط با اعضاء جامعه را در پی خواهد داشت، از این رو پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، بررسی شبکهٔ مضمونی تعامل مدارا محور را هدف قرار داده است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که مطابق آموزه‌های قرآنی، به مدارا در مناسبات اجتماعی، در عرصه‌هایی که زمینه ساز سلطه اندیشه‌های توطئه گرانه نیست و با حفظ مصالح اجتماعی توجه شده است، مرور آیات با محوریت

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۳۰.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان (نویسنده مسئول)

m_mohases@sbu.ac.ir

۲. دانش آموخته رشته اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده اعجاز قرآن

zohrehyazdi70@gmail.com

موضوع مدارا گویای آن است که صبر، عفو، مغفرت در زمرة پر بسامد ترین مؤلفه‌های زمینه ساز مدارا به شمار می‌آیند، توصیه قرآنی به مداراجویی با اعضاء خانواده، مخالفان، مؤمنان، عموم مردم و اهل کتاب، در این شبکه مضمونی بر جسته شده است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، مدارا، جامعه اسلامی، روابط اجتماعی.

مقدمه

جامعه متشكل از افرادی است که به صورت گروهی روابطی مبتنی بر وابستگی و همبستگی برقرار ساخته‌اند، امروزه همزیستی با اقوام و فرهنگ‌های متنوع در عصر گسترده فزاینده ارتباطات، اهمیتی فراوان یافته است، مدارا به رفتار مهربانانه و خردمندانه‌ای گفته می‌شود که برای رسیدن به اهدافی بلند مدت انجام می‌پذیرد، این تعامل دوستانه بر اساس اصول مشترک در زمرة مفاهیم اسلامی محسوب می‌شود، مدارا بر اساس متون اسلامی، تبلور عقلانیت در روابط انسانی است: «عنوان العقل مداراة الناس»، «دلیل عقل مدارا با مردمان است» (خوانساری، ۱۳۶۰: ۴/۳۶۰)، و شاخصه انسان خردمند به شمار می‌آید، حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «عليك بالرفق فإنه مفتاح الصواب و سجية أولى الألباب»، «بر تو باد به نرمی و ملایمت که آن کلید درستی و منش خردمندان است» (همان، ۲۹۱/۴)، مدارا، سامان بخش مناسبات انسانی و زمینه ساز کامیابی خواهد بود: «الرفق مفتاح النجاح»، «نرمی و ملایمت کلید کامیابی است» (همان، ۷۹/۱)، و تسهیل کننده مناسبات اجتماعی و ابزار فائق آمدن بر مشکلات کلان اجتماعی برشمرده شده است: «الرفق يُسِّر الصِّعاب و يُسَهِّل شدید الأسباب»؛ ملایمت، دشواری‌ها را آسان می‌سازد و چاره جویی‌های سخت را ساده می‌گرداند» (همان، ۸۹/۱)، «من إستعمل الرفق، لأنَّ لَهُ الشَّدائد»، «هر که نرمی و ملایمت را به کار گیرد، سختی‌ها برای او آسان گردد» (همان، ۲۸۷/۵).

همچین درباره ارزش مدارا در تعاملات انسانی ذکر شده است: «الرفق لقاحُ الصلاح و عنوان النجاح»، «ملایمت، بارور کننده صلاح و سرلوحة کامیابی است» (همان، ۲/۱۶۰)، «رَأْسُ السِّيَاسَةِ إِسْتِعْمَالُ الرِّفْقِ»، «سر سیاست، به کار بردن رفق و

مداراست» (همان، ۵۴/۴)، «نعم السیاست الرفق»، «بهترین سیاست، رفق و مداراست» (همان، ۱۶۷/۶)، «من عامل بالرِفق وفق»، «آنکه به مدارا رفتار کند، کامیاب می‌گردد» (همان، ۱۷۵/۵).

۳۱

در پژوهش حاضر، پاسخ‌گویی به این پرسش مد نظر است که بر اساس آیات قرآنی گونه‌های مدارا در جامعه اسلامی کدام است؟ این نوشتار با هدف ارائه صورت بندهی جامعی از مدارا در متن قرآن کریم، روش پژوهش تحلیل محتوا را برگزیده است، لذا پس از بیان ادبیات مفهومی پژوهش، یافته‌های حاصل از رویکرد روشمند به آیات در حوزه گونه‌های مدارا تبیین گردید.

۱. پیشینه موضوع پژوهش

تا کنون تلاش‌هایی برای ارائه خوانشی اسلامی از مفهوم مدارا توسط محققان مختلف با روش تحلیلی- توصیفی صورت گرفته است؛ مرتضی کریمی نیا (۱۳۸۶)، در کتاب «همزیستی مسالمت‌آمیز»، با استناد به قرآن و روایات، اعتقاد مسلمانان را به همزیستی مسالمت‌آمیز بیان می‌نماید و مسائلی همچون دعوت به اصول مشترک، پرهیز از تعصبات مذهبی، آزادی عقیده، دوری از تحملیل دین و احترام به حقوق اقلیت‌ها را از دستورات اصیل اسلامی بر می‌شمرد، همچنین حسین عبدالرحمدی (۱۳۸۱)، در کتاب «تسامح و تساهل در قرآن و روایات»، بر عدم مدارا در موضوعاتی همچون بدعت، ابتذال‌گری و ایجاد اخلال در امنیت اجتماعی تمرکز داشته است، سیده فاطمه طباطبائی و اعظم عسکری (۱۳۹۸)، نیز در مقاله «شرایط و قلمرو مدارا در قرآن و سنت»،

مصادیقی از مدارا در سه حیطه سیاسی، اجتماعی و اخلاقی را بیان کرده‌اند، سهراب مروتی در «خاستگاه تربیتی مدارا در قرآن و سیره معمومین» (۱۳۹۴)، مدارا را به عنوان یک روش تربیتی برای القاء داده‌های جدید به مخاطبان مختلف معرفی می‌کند، در مقاله «آثار خانوادگی و اجتماعی رفق و مدارا از منظر فرقین»، از محمود کریمی و زهرا یوسفی (۱۳۹۵)، نیز اهتمام مشترک امامیه و اهل سنت به موضوع مدارای خانوادگی تبیین شده است، اما در این پژوهش، مدارا به مثابه یکی از مفاهیم مهم قرآنی

که برای نیل به اهداف کلان اجتماعی و منافع از نظام ارزشی اسلامی صورت می‌گیرد و به افزایش سرمایه اجتماعی می‌انجامد، مورد توجه قرار گرفته و گونه‌های کاربریست مدارا در قرآن کریم مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۲. روش تحقیق

روش تحلیل محتوا به عنوان روش بررسی متون و زوایای مختلف یک اثر، دارای مؤلفه‌هایی است که یکی از این مؤلفه‌ها، تحلیل کمی است که با ترسیم دقیق آماری و نموداری ما را در یافتن پیام‌های آشکار و نهان در متون، به تحلیل کیفی و توصیفی رهنمون می‌شود، لذا پژوهشگر باید به تمام مواردی که در متن به کار رفته توجه کند تا به تحلیل دقیق‌تری دست یابد، در پژوهش حاضر با بهره گیری از روش تحلیل محتوا، تمامی مقولات قرآنی مرتبط با مفهوم مدارا استخراج شده، سپس فراوانی کلیدوازگان، مضامین اصلی و فرعی و جهت‌گیری‌هایی که راه را برای تحلیل کیفی هموار می‌سازند، مورد بررسی قرار گرفت، در تحلیل کیفی، محتوای داده‌های متن که در روش کمی طبقه‌بندی و کدگذاری شده است، تفسیر شده و در مرحله تحلیل توصیفی نهایی، شبکه‌ای از اطلاعات منظم مرتبط با مفهوم مدارا و متکی بر تجزیه و تحلیل داده ارائه می‌گردد.

پس از بررسی دقیق آیات قرآنی، (۳۰۳ آیه) با تعبیر افاده کننده مفهوم مدارا استخراج شده است، ملاک شمارش این آیات، ذکر صریح کلمات افاده کننده مفهوم مدارا در متن آیه بوده است، از این آیات ۷۳۳ مضمون فرعی مورد بررسی قرار گرفت سپس مضامین فرعی، جهت‌گیری عبارات مشخص و بر اساس آن تنایج استخراج گردید.

جدول شماره ۱: فراوانی موضوعات اصلی در باره مدارا

۳۳

ردیف	موضوعات اصلی در آیات	ردیف	درصد فراوانی	ردیف	موضوعات اصلی در آیات
۱	صبر	۵	%۲۶	۰.۲۶	عدم همکاری با منافقان
۲	تعامل همراه با ثبات عقیده	۶	%۵.۱۶	۰.۱۶	اصلاح
۳	تعامل همراه با حفظ ارزشها	۷	%۱۲	۰.۱۲	برخورد عادلانه
۴	عفو	۸	%۱۰	۰.۱۰	رها کردن

۳. مفهوم شناسی مدارا

مدارا در زبان فارسی به معنای «رعایت کردن، صلح و آشتی نمودن، ملایمت، آرامی، آهستگی، نرمی نمودن، شفقت، تحمل کردن، تسامح، بردباری و سازگاری نشان دادن» (معین، ۱۳۶۴: ۳۹۵۸)، آمده است، واژه شناسان عرب معنای اصلی مدارا را ملاطفت و برخورد نرم (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۵۵)، خشونت روا نداشتن (طريحي، ۱۳۷۵: ۱۳۸/۱)، و انجام کارها از روی آگاهی و تدبیر (فراهيدی، ۱۴۱۰: ۵۹/۸)، دانسته‌اند.

در اندیشه‌اندیشوران علوم اجتماعی، مدارا به عنوان فضیلی اجتماعی، امکان همزیستی صلح آمیز افراد و گروه‌های را فراهم می‌کند که دیدگاه‌های متفاوتی دارند و با روش‌های مختلف در جامعه‌ای واحد زندگی می‌کنند، از این منظر مدارا عملی است که به فرد اجازه می‌دهد با وجود امکان استفاده از زور و خشونت و همچنین عدم علاقه نسبت به دیدگاه طرف مقابل، بدون ایجاد تنش و مخدوش سازی فضای گفت‌وگو رفتار شود (Galeoti, 2001; Sullivan, Transue, 1999).

دورنمای مفهوم مدارا از نگاه قرآنی حاکی از آن است که این مفهوم به سبب

برخوردار بودن از عناصر فکری، رفتاری، عاطفی و اجتماعی در سامان دهی جوامع نوین، کارکردهای متنوعی دارد و رفتار مدارا محرانه به معنای همسوی با مخالفان نیست، بلکه پذیرش زندگی صلح آمیز در اجتماع است.

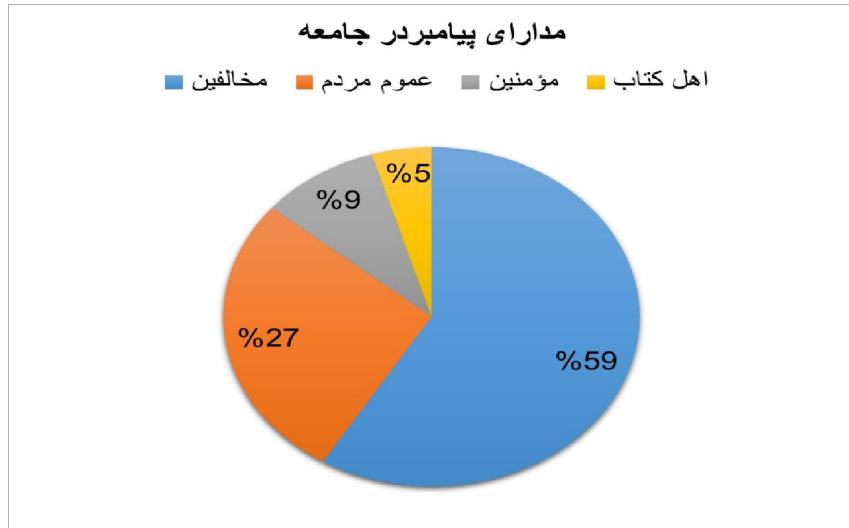
۴. صورت بندی گروههای شایسته مدارا در جامعه

جامعه متشكل از افرادی است که به صورت گروهی روابط متقابل مبتنی بر واپستگی و همبستگی برقرار ساخته‌اند، در منظمه فکری دینی، جامعه حاصل تعامل متقابل انسان‌هاست و از یک‌سو بسیاری از دستورها و برنامه‌های اسلامی، به صورت فردی محقق نمی‌شود و تنها در سایه اجتماع انسان‌ها تحقق می‌یابند، از سوی دیگر بعضی از اهداف و کارکردهای احکام به طور خاص متوجه جامعه است، از این دست می‌توان به پرداخت صدقات، زکات، امر به معروف و نهی از منکر اشاره نمود، همچنین گروهی از دستورات اخلاقی از جمله بخشش به مردم، مدارا با مردم، وحدت و پرهیز از اختلاف، یا تأسیس نظام اجتماعی و سیاسی، بهره‌گیری از آرای اهل نظر، مشورت و... جهت‌گیری اجتماعی دارند.

نظام اجتماعی اسلام با توجه به جهان‌بینی مورد پذیرش اسلامی طراحی شده و با همان نظام اخلاقی هماهنگ است، از این منظر، انسان موجودی اجتماعی است و برای رسیدن به سعادت حقیقی نیاز به زندگی در جامعه و تعامل با هم نوعان خود دارد، در این دیدگاه، هر یک از اجزاء انسانی جامعه، تشکیل دهنده عضوی مخصوص از حیات اجتماعی است که ارزش آن فقط بستگی به این دارد که چه مقدار و چگونه از موجودیت و سرمایه خویش با آگاهی و اختیار در قوام حیات اجتماعی شرکت می‌جوید (جعفری، ۱۳۸۶: ۴۱۴).

در این راستا پس از تحلیل آیات برگزیده، طیف متنوعی از مدارا با گروههای مختلف انسانی در اجتماع استخراج شد نکته شایان توجه آنکه چگونگی مدارا نیز در مواجهه با شرایط مختلف، برخوردار از تنوع بوده است.

۳۵



در نگره قرآنی تکریم انسان و شخصیت بخشی به اعضای جامعه، ارزشی اسلامی به شمار می‌آید (اسراء/۷۰)، (آل عمران/۷۵) و هتك حرمت دیگران زمینه‌ساز از بین رفتن الفت اجتماعی می‌شود. مدارا ملایمت و سازگاری نشان دادن و کشف زمینه‌های مشترک با دیگران و احترام گذاشتن به افراد غیر مشابه است.

امروزه همیستی با اقوام و فرهنگ‌های متنوع در عصر گستردگی فناوری ارتباطات، اهمیتی فراوان دارد. در رویکرد جامعه‌شناسی نسبت به نقش مؤثر مدارا بر ساختارهای اجتماعی و شبکه ارتباطی گستردگی، تأکید می‌شود، مدارای اجتماعی عبارت است از تعامل ملایم هر یک از اعضای جامعه با دیگران در محیط‌های اجتماعی و عمومی که با پذیرش تفاوت‌ها، شکل می‌گیرد، مدارای اجتماعی نیازمند این است که همه اعضای جامعه در کنار یکدیگر با آسایش و بدون ترس فیزیکی یا حمله هیجانی و خشونت گام بردارند، مدارا یکی از اصول مهم اخلاق اجتماعی است و ابزاری کارساز برای نفوذ در دیگران و ایجاد تمایل قلبی است.

مدارایشگی در جامعه، تقویت انسجام و همبستگی اجتماعی را به دنبال دارد و از رهگذر ارتقای آگاهی اجتماعی، برقراری گفت و گوی مؤثر و برخورداری از شبکه اجتماعی متنوع حاصل می‌گردد، از منظر اسلامی، مدارا در مسائل شخصی و یا مسائل اجتماعی که تقابل و تراحمی با حقوق دیگران نداشته باشد، مورد تأیید قرار گرفته است،

حضرت امیر ﷺ می‌فرماید: «من تا آنجا که برای جامعه احساس خطر نکنم، شکیابی پیش‌می‌کنم^۱».

کاهش روحیه مدار، کاهش مهریانی اجتماعی و بسیاری از معضلات اجتماعی را به دنبال دارد، امام علی در این باره توصیه می‌فرماید: «بر خاشاک درشتی‌ها چشم فرو بیند، و گرنه هرگز خشنود نخواهی شد^۲» و نیز فرموده‌اند: «بکوش که ناگاهی‌ها و برخوردهای تند و ناتوانی‌شان در سخن گفتن را تاب آوری و از هر سخت‌گیری و خشوتی نسبت به آنها مانع شو تا در برابر آن، خداوند آغوش رحمت به رویت بگشاید و مستوجب ثواب طاعت خویش سازد^۳».

طبق نمودار، از یک‌سو وجود طیف متنوع تفاوت‌ها بین انسان‌ها و از سوی دیگر نیازمندی آنان به یکدیگر، تأییدی بر ضرورت اتخاذ مناسبات مدارا جویانه به شمار می‌آید، بدون تردید اقدامات مخالفان با هدف براندازی نظام اسلامی و یا ارتکاب عامدانه اعمال خلاف شرع، خارج از محدوده سیاست راهبردی مدارا بوده است.

۵. گونه‌شناسی مدارا در جامعه اسلامی

مطابق آیات قرآنی مدارا به مثابه ابزاری در جهت گسترش روابط اجتماعی به شمار می‌آید، مطلوبیت روابط دگرخواهانه و نیک‌خواهی نسبت به هم نوعان فارغ از اعتقادات، وجهی انکارناپذیر از یک جامعه است و در هر جامعه‌ای مناسب با مقتضیات آن شکل می‌گیرد، در این قسمت با ذکر موضوعات فرعی مطرح شده در آیات با محوریت شبکه مفهومی مدارا سعی می‌شود به مقوله بندي جامعی ارائه گردد.

۱. «سَاصِرُّ مَا لَمْ أَحْفَظْ عَلَىٰ جَمَاعِكُمْ فَإِنَّهُمْ إِنْ تَمَمُوا عَلَىٰ فِيَالَّهِ هَذَا الرَّأْيِ الظَّاطَعِ يَظَانُ الْمُسْلِمِينَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹).

۲. «أَعْضُنَ عَلَىٰ الْقَدَىٰ وَالْأَلْمَ تَرَضَ أَبَدًا» (نهج البلاغه، قصار ۲۱۳).

۳. «لَئِنْ تَنَدَّسْ أَمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلصُّبُّيفِ فِيهَا حَمْلَةٌ مِّنَ الْفُوِّيِّ غَيْرِ مَتَّعْنَيٍ شَمَّ احْتَمَلَ الْخُرْقَ مِسْهُمْ وَالْعَيَّ وَتَحْ عَنْهُمُ الصَّيْقُ وَالْأَنْقَ يَبْشِطُ اللَّهُ عَلَيْكَ بِذَلِكَ كُنْافَ رَحْمَتِهِ وَيُوْحِبُ لَكَ ثَوَابَ طَاغِيَهِ وَأَعْطِ مَا أَغْصَبَتْ هَيْنَا وَأَشْتَغَ فِي إِجْتَمَاعٍ وَإِغْدَارٍ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۱-۵- مدارا با خانواده

مقدضای محبت و دلبستگی به خداوند، نیکی و محبت به انسان‌ها است و مهرگستری و غنی ساختن روابط اجتماعی به مثابه یکی از بنیان‌های اخلاقی دینی آرامش آفرین است، مدارا با خانواده، نشأت یافته از همدلی، احساس عاطفی و تعلق میان اعضاء خانواده است و ساحت قلبی افراد را به یکدیگر نزدیک می‌نماید، پرورش روحیه همدلی در خانواده با رفتارهای مداراجویانه در آیات قرآنی مورد تأکید قرار گرفته است.

قرآن کریم درمورد تمام افراد خانواده توصیه به مدارا می‌نماید. خصوص در برابر پدر و مادر، توصیه‌ای الهی است، مدارا در تربیت فرزندان و سوق دهی آنان به بندگی نیز سفارش شده است، همچنین مدارا در برابر همسر علی‌رغم انجام رفتار ناصحیح، موضوعی است که قرآن کریم از رفتار پیامبر رحمت ﷺ برای ما گزارش می‌نماید.

نقاط تمکز	آیات
گذشت پیامبر ﷺ در خانواده	﴿إِنَّمَا أَيَّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ عَدُوًّا لَّكُمْ فَاخْلَرُوهُمْ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْنَحُوا...﴾ (تفابن ۱۴)
مدارای پیامبر ﷺ با همسران	﴿إِنَّمَا أَيَّهَا النِّسَاءِ لَمْ تُحِرِّمْ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ تَبَغْفِي مَرْضَاتِ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ أَعْفُورُ رَحِيمٌ﴾ (طلاق ۱۱)
تواضع در برابر والدین	﴿وَالْخُصُّ لَهُمَا جَنَاحَ الدُّلُّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَفُلْ رَبِّ ازْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ (اسراء ۲۴)
بردباری در برابر وسوسه نزدیکان	﴿قَالَ بْلَ سَوَّلْتَ لِكُمْ أَنْتُكُمْ أَمْرًا فَصَبَرْ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾ (یوسف ۸۳-۱۸)
صبر در امر کردن نزدیکان به نماز	﴿وَأَمْرُ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَرِبْ عَلَيْهَا لَا تَسْئُلَكَ رِزْقًا نَحْنُ نَزْرُقَ وَالْعَاقِبةُ لِلتَّشْوِي﴾ (طه ۱۳۲)

﴿إِلَّا أَن يَعْفُونَ أَوْ يَغْفِلُوا الَّذِي بِدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ

لِلشَّوْىٰ وَلَا شَسْوَىٰ الْفَضْلَ يَسْتَكْمِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾

خداؤند متعال درباره کارشکنی‌های همسران توصیه به مدارا نموده و می‌فرمایند: «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأُولَادِكُمْ عَدُوًا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْيِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ**» (التغابن: ۱۴)، صبر در برابر فرزندان از دیگر موارد مدارا در خانواده است، خداوند داستان برادران یوسف علیه السلام و صبر جمیل یعقوب علیه السلام را در برابر خواهش‌های نفسانی فرزندان به مسلمانان متذکر شده و اینگونه رفتار را می‌ستاید (قرطی، ۱۳۶۴: ۲۴۷/۹).

صبر در امریه معروف اهل خانه نیز دیده می‌شود، همان‌طور که پیامبر کرم علیه السلام در امر اهل خویش به نماز صبر بسیار ورزیده و شکیبایی را طبق فرمان الهی سرلوحه قرار می‌دادند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷: ۳۴۲/۱۳)، کسانی که به ایشان اقتدا می‌کنند، نیز باید این آیه را مدنظر قرار داده و در تربیت دینی فرزندان شکیبایی نمایند: «**وَأُمْرُ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْئِلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُكُ وَالْعَاقيْبَةُ لِلشَّوْىٰ**» (طه: ۱۳۲).

۲-۵- مدارا با عموم مردم

علامه طباطبائی، جامعه را به یک تن واحد تشییه نموده و ضرورت حفظ انسجام و وحدت آنرا مورد تأکید قرار می‌دهد، به تعبیر ایشان، اسلام به دنبال تشکیل جامعه‌ای است که اعضای آن در کمال اطمینان خاطر و سلامتی از هر خطری، با هم مأنوس شوند، به یکدیگر اعتماد کنند، با همدیگر تعاون و معاوضات داشته باشند و از خیر یکدیگر بهره‌مند شوند در غیر این صورت و در شرایطی که اعضای جامعه از هم بیزار باشند و پیوندهای اجتماعی سست باشد، این قطع رابطه هر چند هم که اندک، اما با توجه به گستره آن، خسارت بزرگی به جامعه وارد نموده و رشتة حیات آنرا قطع می‌سازد، از این‌رو، اسلام در پی آن است تا از کلیه عواملی که منزلت اجتماعی اعضای جامعه را خدشه‌دار می‌کند و هویت و شخصیت اجتماعی ایشان را از آنها می‌گیرد، جلوگیری به عمل آورد (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۲۸۶/۷).

نقاط تمرکز	آیات
گذشت هنگام خشم	﴿وَ الَّذِينَ يَجْتَبُونَ كَبَائِرُ الْأَثْمِ وَ الْفَوَاحِشَ وَ إِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾ (شوری/٣٧)
بردباری در مواجهه با بدی	﴿أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّىٰنِ بِمَا صَبَرُوا وَ يَدْرُؤُنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (قصص/٥٤)
همراهی با بیعت کنندگان	﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَيِّنْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُسْرِكُنَ بِاللَّهِ شَيْئًا فَبِإِيمَهُنَّ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ (متحنه/١٢)
عفو در برابر نزدیکان	﴿وَ لَا يَأْتِي أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَ السَّعَةُ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْفَرْسَى وَ لِيُغْنُوَا وَ لِيُضْعَفُوَا لَا تُحِيطُونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ (نور/٢٢)
سلام به جاهلان	﴿وَ إِذَا سَمِعُوا الْلَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْغِي الْجَاهِلِينَ﴾ (قصص/٥٥) و (مریم/٤٧) (زخوف/٨٩) (فرقان/٦٣)
مدارا با نابردباری همراهان	﴿وَ إِذْ قُلْنَمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْرِرْ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ... قَالَ أَتَسْبِيلُونَ اللَّذِي هُوَ أَذْنِي بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ﴾ (بقره/٤١)
صبر به خاطر خدا	﴿وَ الَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَ أَقامُوا الصَّلَاةَ وَ أَشْتُقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرَّاً وَ عَلَانِيَةً وَ يَدْرُؤُنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُنْبَى الدَّارِ﴾ (رعد/٢٢)
استغفار برای بدکاران	﴿قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيَّا﴾ (مریم/٤٧)

۴۰

۹	عفو در برابر بدی	﴿إِنْ تَبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُحْفُوهُ أَوْ تَعْغُلُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوا قَدِيرًا﴾ (نساء/۱۴۹)
۱۰	عفو در برابر مردم	﴿وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (آل عمران/۱۳۴)
۱۱	عفو در حکم قصاص	﴿فَمَنْ عَغَى لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبَعَ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (بقره/۱۷۸)
۱۲	سلام به اصلاح شدگان	﴿وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاِيمَانِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَحْمَةً عَلَى نَسْكِهِ الرَّحْمَةِ﴾ (انعام/۵۴)
۱۳	اراده اصلاح در حد استطاعت	﴿إِنْ أُرِيدُ إِلَّا إِصْلَاحًا مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوْكِلُتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾ (هود/۸۸)
۱۴	گذشت نبی نسبت مردم	﴿وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كَفَائِنَ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلُ لَكُمْ ثُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَعْفُرُ لَكُمْ وَاللَّهُ عَفْوُزٌ رَحِيمٌ﴾ (حدید/۲۸)
۱۵	عدالت ورزی نسبت به مردم	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُوئُنُوا قَوَامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَبْحِرُنَّكُمْ شَيْانٌ قَوْمٌ عَلَى أَلَا تَعْدِلُوا﴾ (مائده/۸)

در واقع، مدارا با کارکردهای متعدد روان‌شناسختی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نقش مهمی در زندگی فردی و اجتماعی انسان ایفا می‌کند، این رویه در روابط شخصی باعث ایجاد ارتباطات دوستانه همراه با احترام و صمیمت، گذشت و تحمل دوچانبه، همراه با آرامش و بدون نگرانی و تردید می‌شود و رفتارهای تدافعي را به حداقل می‌رساند.

از سوی دیگر، مدارا، مشارکت را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سرعت بخشیده و تمایل افراد را برای همکاری با گروه‌های مختلف جامعه افزایش می‌دهد و همچنین با تقویت اعتماد، دیگرخواهی، رفتار نوع دوستانه و

همبستگی بین افراد، وفاق اجتماعی را تقویت می کند و در نهایت، امنیت اجتماعی را افزایش داده و هزینه های نظارت نهادهای رسمی را کاهش می دهد، از این رو مدارای اجتماعی مهم ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی و یکی از عناصر اساسی انسجام و نظم در جامعه است.

۴۱

۳-۵- مدارا با مؤمنان

در قرآن کریم علاوه بر مدارا با عموم مردم، مدارا با مؤمنان به طور ویژه بیان شده است، اصلاح امور مؤمنان و سلام به ایشان، همچنین امر به همراهی و یاری رسانی به ایشان از اموری است که در قرآن به آن اشاره شده است، اشتراک افراد جامعه در باورهای خداشناسانه، مداراجویی، انس و همبستگی در تعاملات اجتماعی را به دنبال دارد.

نقاط تمرکز	آیات
سلام به هدایت یافتگان	﴿السَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى﴾ (طه/۴۷) (نمل/۵۹)
مدارای پیامبر ﷺ با مؤمنین	﴿وَ مَا أَنَا بِطَارِدٍ لِّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُّلَاقُوا رَبَّهُمْ وَ لَكِنَّ أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ﴾ (هود/۲۹)
مدارا با خداجویان	﴿وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْقَدَاءِ وَ الْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَ لَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ﴾ (کهف/۲۸)
صبوری در برابر مؤمنین	﴿وَ احْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (حجر/۸۸) (شعراء/۲۱۵)
سلام به بندگان مؤمن	﴿قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَنِي اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (نمل/۵۹) (مریم/۴۷)
اصلاح روابط میان فردی	﴿وَ إِنْ طَائِنَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعُدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (حجرات/۹)

﴿وَلَئِنْ صَرَّتُمْ لَهُوَ حَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران/۱۲۰)	تشویق به صبر	۷
﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يُقُولُونَ﴾ (طه/۱۳۰) (مزمل/۱۰)	صبر بر گفته‌ها	۸
﴿فَذَرُوهُمْ فِي عَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينَ﴾ (مؤمنون/۵۴) (انعام/۱۱۲) (معارج/۴۲) (احزاب/۴۸)	رهاسازی	۹
﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعَظِّهِمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَليغاً﴾ (نساء/۶۳) (انعام/۳۵)	مدارا با اعراض کنندگان	۱۰

در نهادینه سازی خصائص اجتماعی همواره موضوع باورها یا اعتقادات نقش انکارناپذیری دارد و باید اذعان نمود که هویت اجتماعی مسئله‌ای منفک از جهان‌بینی نیست، اهمیت این امر تا بدانجاست که به نظر می‌آید نخستین شرط برای شکل‌گیری هویت اجتماعی، باورهای مشترک افراد باشد، لازم به ذکر است؛ انسان‌ها به لحاظ شاکله و ویژگی‌های شخصیتی، هر کدام موجودی منحصر به فرد هستند و آنچه این نفوس مختلف را با هم مأنوس می‌سازد، تشابهاتی است که در باورهای آنان وجود دارد، این اشتراک معرفی در صورتی حاصل می‌شود که عاملان اجتماعی طرز تلقی و باورهای واحدی درباره وجود بنيادین حیات انسانی که عبارت از خدا، جهان و انسان است، داشته باشند، به عبارت دیگر مجموعه متنوع افراد انسانی زمانی از یک هویت اجتماعی برخوردار می‌شوند که بر اساس باورهای مشترک به تعامل پردازند؛ به عبارت دیگر تعامل متقابل زمانی به احساس پیوستگی اجتماعی می‌انجامد که نظام معنایی افراد، به توافق نسبی در باورها رسیده باشند، مودت و دوستی میان انسان‌ها حاصل همنوایی روح‌ها و اشتراک باورهای است، از همین‌رو جان‌ها و روح‌ها هرگاه با یکدیگر تناسب داشته باشند، زمینه مهیا باید برای روز رفتارهای مداراجویانه ایجاد می‌شود.

توحید محوری یک اصل اساسی در آموزه‌های اسلامی محسوب می‌شود، توحید علاوه بر آنکه تعبیری راجع به ذات وجودی الهی است، راه و روشی برای کمال‌یابی و شناخت بنيادین عالم هستی است و تمامی جنبه‌های زندگی حول آموزه توحید معنا می‌باید، هر جلوه‌ای از وجود انسان در ارتباط فعالی با اصل توحید می‌باشد، این امر

فطري که مؤکداً مورد توجه رسالت‌های الهی قرار گرفته، تنها منحصر به ساحت قلب و درونيات انسان نمی باشد؛ بلکه اثر آن اعتقاد درونی در ساختار اجتماع انسانی کاملاً هویداست، به عبارت دیگر توحید به مفهوم دید اميدوارانه به ايجاد تحول مثبت و متعالي در جامعه، يگانه قوه محركه تمامی انباء بوده است، در نگره خدامحور حقوق مردم در جامعه همچون حقوق الهی پاس دانسته می شود و روابط اجتماعي اصلاح می شود، زيرا اين مهم، ضامن تحقق اخلاق است.

آيات قرآن کريم در مورد مؤمنین سفارش‌های ویژه‌ای به پیامبر اکرم ﷺ می نماید. صبر، خفض جناح، سلام، همراهی با مؤمنین، طرد نکردن ايشان، طلب مغفرت برایشان و همچنین اصلاح امورشان از مواردی است که در مداراي قرآنی دیده شده است. خداوند به پیامبر ﷺ امر می کند به تابعان هدایت، بندگان برگزیده خدا سلامت و امنیت بفرستد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۸۲/۱۹)، خداوند می فرمایند: **﴿فَلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى اللَّهُ حَيْرًا أَمَا يُشْرِكُونَ﴾** (نمل/۵۹)، کسی که از دیگری در سلامت و امنیت است، از حسادت، بغض و دشمنی، حقد و کینه و سایر نیات سوء هم در امان است، بنابراین در برابر نعمت‌هایی که به مؤمن عطا شده حسادت نمی ورزد و یا کینه‌ای از او به دل نمی گیرد، این طرز فکر در برابر مؤمن موجب می شود رفتار فرد همواره توأم با محبت و مدارا باشد، مثلاً مؤمنینی که از روی جهالت گناهی انجام داده و سپس توبه نموده و اصلاح کرده‌اند را بپذیرد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۲۶/۶). همچنین می فرمایند: **﴿وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِأَيَّاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نُفُسُسِ الرَّحْمَةِ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾** (انعام/۵۴)، قرآن کريم، پیامبر اکرم ﷺ را امر به همراهی با مؤمنین می نماید و می فرماید: **﴿وَاصْبِرْ نُفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاءِ وَالْعَشَيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِيَّةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطْعِنَ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا﴾** (كهف/۲۸)، همان طور که در تفسير اين آيه آمده است: پیامبر اکرم ﷺ با فقیران از مؤمنین بالادب و مهرباني و تواضع برخورد می کرد و ايشان را در طول حیات نورانی اش اکرام می نمود (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵/۱۸/۷۴).

۴-۵- مدارا با مخالفان

قرآن کریم درباره مخالفین اعم از کفار، مشرکین و منافقین، به تناسب اقتضایات پیرامونی توصیه‌های داشته و در بسیاری موارد امر به صبر، مدارا، گذشت و در صورت سرسختی ایشان، امر به اعراض و یا رها کردن ایشان می‌نماید، حتی زمانی که منافقان برای جلب منافع دشمن، با مسلمانان در جنگ‌ها مشارکت نمی‌کردند، پیامبر ﷺ با آنها به مدارا رفتار کرده و طبق فرمان الهی رهایشان می‌کردند تا با زنان و کودکان در مدینه بمانند و چون حضورشان جز سستی به سپاه نمی‌افزود آنان را به جهاد تشویق نمی‌کردند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۸۶/۹).

مطابق آیه **﴿فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذُنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَحْرُجُوا مَعِي أَبَدًا وَ لَنْ تُنَاهِلُوا مَعِي عَدُوًا إِنَّكُمْ رَضِيْتُمْ بِالْقُعُودِ أَوْلَ مَرَّةً فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ﴾** (توبه/۸۳)، پیامبر اکرم ﷺ در عین حال که از عقاید همه این گروه‌ها برائت می‌جستند، با کمال مدارا و خویشتن داری اجازه زندگی و بهره‌مندی از جامعه مسلمین را به ایشان می‌دادند.

در جنگ بدر، وقتی پیامبر ﷺ امر به خروج دادند، آنان که طالب کاروان تجاری قریش بودند و تمایلی به جنگ با ایشان نداشتند، برای تحقق آمال خود، به جدال و محاجه بی‌دلیل پرداختند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹، ۱۴)، درحالی که پیامبر اکرم ﷺ با صبر و جدال احسن پاسخ می‌دادند و درنهایت خویشتن داری سعی بر تبیین آموزه‌های اسلامی داشتند، ایشان از بحث و جدل بیهوده نهی شده بودند **﴿فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مَرَأَ ظَاهِرًا﴾** (کهف/۲۲).

قرآن کریم در گفت‌وگو با کفار، نحوه نیکوبی از احتجاج را امر می‌نماید و به جای مجادله با ایشان که معلوم است اهل عناد و لجاجت هستند می‌فرماید: **﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِيْنِ﴾** (کافرون/۶)، به این ترتیب با اتمام حجت با بتپرستان از هر گونه سازش بر سر توحید و بتپرستی، جدایی کامل خط خود را از آنها مشخص می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷: ۲۷/ ۳۸۵).

در برخی موارد هم امر به رها کردن ایشان می‌نماید تا اندکی در این دنیا بهره مند باشند، آنگاه وعده عذاب برایشان برسد، بنابراین شیوه قرآن کریم در مورد مخالفینی که دست به

قبضه شمشير نبردهاند و دشمنی خویش را عما لا ظاهر ننموده اند مدارا با ایشان است.

۴۵

نقاط تمرکز	آیات
۱ آزار و اذیت قوم	﴿فَاصْرِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعَزْمٍ مِن الرُّسُلِ وَ لَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ...﴾ (احقاف/۳۵) (قمر/۲۵) (ابراهیم/۱۲) (غافر/۵۵)
۲ تشویق به صبر	﴿وَ لَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُو خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران/۱۲۵، ۱۲۰)
۳ صبر بر گفته ها	﴿فَاصْرِرْ عَلَى مَا يُقْرُلُونَ﴾ (طه/۱۳۰) (ق/۳۹) (مزمل/۱۰)
۴ رهاسازی مطلق	﴿فَذَرْهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ حَتَّى حِينَ﴾ (مؤمنون/۵۴)
۵ مدارا با اعراض کنندگان	﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ عِظَمُهُمْ وَ قُلْ لَهُمْ فِي أَنْشِسِهِمْ قَوْلًا بَلِيجًا﴾ (نساء/۶۳) (انعام/۳۵)
۶ جدال احسن	﴿لِكُمْ دِيْنُكُمْ وَ لِيَ دِيْنِ﴾ (کافرون/۶)
۷ بخشن	﴿فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَ قُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ (زخرف/۸۹)
۸ پذیرش	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا صَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَكَيْسُوا وَ لَا تُنُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا﴾ (نساء/۹۴)
۹ بردباری	﴿فَاصْرِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا تُرِيكَ بَعْضَ الَّذِي تَعْدُهُمْ أَوْ تَنْكِثَنَكَ فَإِلَيْكَ يُرْجَعُونَ﴾ (غافر/۷۷) (يونس/۱۰۹) (احقاف/۳۵) (قلم/۴۸)
۱۰ بخشن نابوران	﴿قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِي قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (جاثیه/۱۴)
۱۱ مدارا و عدالت ورزی	﴿وَ لَا يَجْرِي سَكُونَ شَيْئًا قَوْمٌ أَنْ صَدُوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّشْوِي وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِلْمِ وَ الْعَدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (مائده/۲)

از رهگذر واکاوی آیات مرتبط با موضوع مدارا با مخالفان می‌توان اذعان داشت، از جمله شاخصه‌های نگرش اسلامی، تصریح بر آزادی انسان است، پذیرش موضوع آزادی از سوی اسلام، حاصل پذیرش اصول معین و ویژه‌ای در انسان‌شناسی اسلامی است، از جمله می‌توان به انتخاب‌گری انسان، مکلف بودن انسان، مورد آزمایش قرار گرفتن انسان اشاره کرد.

اسلام تمایلات عالی انسان را منشاء آزادی انسان می‌شمرد، آزادی لازمه هویت انسانی و به معنای رهایی از هر گونه مانعی در مسیر تکامل انسانی می‌باشد (عمید زنجانی، ۱۳۶۶: ۵۵۲)، آزادی توانم با احساس مسئولیت از اصلی‌ترین حقوق انسانی به شمار می‌رود و می‌توان گفت غایت دستگاه تعلق و ادراک، بهره‌گیری آزادانه از موهب خلقت در سیر استكمالی بشر است، در این شاكله فکری، آزادی تنها در رفع محدودیت‌ها و موانع خلاصه نمی‌شود، بلکه از آنجا که آزادی حقیقی در گرو تکامل واقعی انسان است، زمینه‌سازی و فراهم آوردن موجبات این تکامل نیز از لوازم آزادی انسان است، هرقدر موجبات تکامل و تعالی آدمی بیشتر فراهم گردد، در واقع آزادی او بیشتر فراهم گشته است، بنابراین آزادی تنها به معنی رهایی نیست، بلکه این رهایی باید بر حسب نتایجی که بر آن مترب می‌شود بایزینی قرار گیرد، تنها گونه‌هایی از رهایی به منزله آزادی نگریسته می‌شود که موانع رشد آدمی را از میان بر می‌دارد و زمینه رسیدن به مرتبه مطلوب از انسان را فراهم می‌آورد، در غیر این صورت، صرف رهایی از هر بندی می‌تواند به منزله تسليم شدن به امیال، زمینه اسارت بزرگ‌تری را فراهم آورد. به عبارت دیگر مفهوم آزادی در فرهنگ اسلامی بر دو پایه آزادی معنوی و آزادی اجتماعی بنا نهاده شده است، اهمیت آزادی معنوی یا توانمندی تسلط بر غرائز و شهوت، تا حدی است که حتی در هویت اجتماعی مسلمانان تأثیرگذار می‌باشد (فاسی، ۱۹۷۹: ۲۴۷)، به دیگر سخن در پس هر حقی برای فرد، حقی برای جامعه نهفته، لذا همواره مسئولیتی آگاهانه نیست به حق و پاییندی بدان وجود دارد.

اگر پذیریم که اسلام برای مراعات مصالح بندگان در دنیا و آخرت دارای برنامه‌ای اجرایی است و این مصالح دارای مراتب متفاوتی از ضرورت‌ها تا اولویت‌ها است، پس لزوماً این مصالح قواعدی کلی را تشکیل می‌دهد که علاوه بر آنکه هویت فردی

انسان‌ها را تنظیم می‌نماید، محدودهٔ هویت اجتماعی را نیز تعیین می‌نماید. به هر روی، ایدهٔ آزادی در اسلام بر مطلق بودن آزادی فرد در همهٔ امور، تازمانی که با حق یا با مصالح عمومی برخورد پیدا نکرده، استوار است و چنانچه با حق یا مصالح عمومی برخورد پیدا کرد، تجاوزی است که باید در برابر آن ایستاد و آن را مهار نمود.

پس تازمانی که هر کس در چارچوب حقوق خود عمل نماید و به مصالح عمومی آسیب نرساند، کسی متعرض او و آزادی‌های او نیست، لذا آزادی مطلق وجود ندارد، مصلحت‌ها، فرار از آسیب‌ها، عادات و آداب و رسوم‌ها از جمله عوامل محدود کننده آزادی است، ناگفتهٔ هویداست در زندگی اجتماعی عدم ملاحظه منافع دیگران مسبب هرج و مرج و کشمکش‌هاست.

قرآن کریم از یک سو ضمن تأکید بر نقش آگاهی بخشی پیامبران الهی و آشکارسازی گنج‌های پنهان در عقل مخاطبان، کارآمدترین سرمایه الهی برای شناخت راه رستگاری را نفکر و آزاد اندیشی می‌دانند و از سوی دیگر برخورد مدافعانه در مقابل اظهار عقیده‌های توطئه‌گرانه، را به عنوان رویه‌ای پیشگیرانه تأیید می‌نمایند، به عبارت دیگر مرز آزادی‌های مخالفان را مصلحت‌های جمعی تعیین می‌کند.

۵-۵- مدارا با اهل کتاب

جامعهٔ اسلامی از صدر اسلام تا کنون به شکل‌های گوناگونی با پیروان ادیان گذشته پیوند داشته است، در آیاتی از قرآن به تأیید ادیان الهی پیش از اسلام پرداخته شده «**قُولُواْ أَمَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ الْبَيْتُونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا فَرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ**» (بقره/۱۳۶)، و آنان نیز همچون دیگر مردم به پذیرش دین اصیل اسلام فراخوانده شده‌اند «**وَمَنْ يَتَبَعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُفْلَمَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ**» (آل عمران/۸۵، صف/۶)، هر چند برای آزادی عقیده و کرامت انسانی آنان به رسمیت شناخته شده است «**وَلَوْ شاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتَشْكُلُنَّ عَمَّا كُتُبْتُمْ تَعْمَلُونَ**» (نحل/۹۳).

در آیات قرآنی، ضرورت مدارا با اهل کتاب در چند مورد صراحتاً بیان شده است،

مدارا در مواردی که اهل کتاب آیات الهی را مخفی می کردند و پیامبر اکرم ﷺ آنها را تبیین می نمود؛ مدارا در شنیدن آزار و اذیت های اهل کتاب؛ مدارا در مواردی که جهت پرسیدن از حکم یا طلب قضاوی نزد پیامبر ﷺ می آمدند ولی در عین حال نظر ایشان را نمی پذیرفتند و در نهایت مدارا در برابر بدرفتاری های آنان با مسلمانان، از آن جمله است، در تمام این موارد، پیامبر رحمت ﷺ با اظهار بخشش و صبر، رویه مدارا را در پیش می گرفتند.

نقاط تمکز	آیات
دعوت	﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفِونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾ (مانده ۱۵)
صبر در برابر گفته ها	﴿وَلَئِنْ سَمِعْنَ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذْيًّا كَثِيرًا وَإِنْ تَصْرِفُوهُ وَتَنْقِعُوهُ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَرْمِ الْأُمُورِ﴾ (آل عمران ۱۸۶)
پذیرش قضاوی درباره اختلافات	﴿سَمَاعَوْنَ لِلْكَذِبِ أَكَالُونَ لِلسُّحْنِتِ فَإِنْ جَاؤَكَ فَاحْكُمْ بِيَسِّهِمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهِمْ وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بِيَسِّهِمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (مانده ۴۲)
بخشش خیانتکاران	﴿وَلَا تَرَأْلُ تَنَطِّلُعَ عَلَى خَاتَّةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (مانده ۱۳)
بخشش اهل کتاب	﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرْدُونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَارًا... فَاعْغُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره ۱۰۹)

مداده در این آیات گویای آن است که توجه به کرامت انسانی اصلی قابل توجه در دیدگاه اسلامی تلقی می شود، لذا هرگونه تصریفی در روابط اجتماعی که کرامت انسان را زایل نماید و توهینی به جایگاه او محسوب شود، بر خلاف اصول شرعی شمرده

می شود، از این منظر انسان مخلوقی است که به واسطه تجهیز به زمینه های رشد در مسیر کمال، از دیگر مخلوقات متمایز شده است، قوای عقل، نوآوری در بهره گیری از آسمان و زمین، توانمندی دسترسی به عرصه شناخت و وصول به اهدافی که خداوند انسان را بدان سبب آفرید، خصوصیتی است که موجب برتری نوع انسان بر سایرین گشت، آیات قرآنی انسانها را به لزوم توجه به منزلت انسانی و مسئولیت هایی که برآمده از چنین جایگاهی است، متوجه می سازد، توجه به مدارا در روابط میان فردی در اجتماع، از یکسو سبب می شود فردگرایی، تفاخر و جمود رخت بریند و از سوی دیگر سبب تجدید حیات انسان و توانایی های او می شود و او را مبدل به نیرویی کارآمد می سازد.

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که گذشت می توان گفت:

- مدارا مفهومی است که به سبب برخوردار بودن از عناصر فکری، رفتاری، عاطفی و اجتماعی در سامان دهی جوامع نوین، کارکردهای متنوعی دارد و رفتار مدارا محورانه، همسوی فکری با مخالفان نیست، بلکه پذیرش زندگی صلح آمیز در اجتماع است.
- یکی از مباحث قابل تأمل در بایسته های زندگی اجتماعی، مدارا جویی است، این رویکرد عاملی تأثیر گذار در آرامش زندگی انسان و عامل بسیاری از رفتارها، اندیشه ها و تصمیم گیری هاست و بر تمامی گرایش ها و تمایلاتی که در رفتار انسان آگاهانه جلوه پیدا می کند، اثرگذار می باشد، این مقوله در قرآن کریم نیز به دقت تبیین شده و به عنوان یکی از توانایی ها و استعدادهای انسان در کنار عقل زمینه ساز تعاملات اجتماعی است.
- پیامبر ﷺ در جامعه اسلامی، با مسلمانان و غیر مسلمانان رویه مدارا محور داشته اند و از این رهگذر ثمرات متنوعی در عرصه های رفتاری و عاطفی در راستای نظم بخشی به جامعه اسلامی حاصل شده است.

كتاب نامه

۱. قرآن کریم.
 ۲. نهج البلاغه.
 ۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر، *تفسیر التحریر والتثویر*، بيروت، مؤسسة التاريخ، ۱۴۲۰.
 ۴. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۴.
 ۵. جعفری، محمد تقی، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶.
 ۶. خوانساری، جمال الدین محمد، *شرح غرر الحكم و درر الكلم*، مقدمه، میر جلال الدین حسینی ارمومی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
 ۷. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن*، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
 ۸. طباطبائی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیہ قم، ۱۳۷۴.
 ۹. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹.
 ۱۰. فاسی، علال، *مقاصد الشريعة الاسلامية و مكارمها*، چاپ ۲، ریاض، مطبعة الرسالة، ۱۹۷۹.
 ۱۱. فراهبدی، خلیل بن احمد، *كتاب العین*، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹.
 ۱۲. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
 ۱۳. معین، محمد، *فرهنگ معین*، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۸۶.
 ۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، قم، دار الكتب الاسلامیة، ۱۳۶۷.
15. Galeoti, Anna E. (2001) «Do We Need Toleration as a Moral Virtue», *Respublica*, Vol. 7 (3): 273-292. (2002) *Toleration as Recognition*, Cambridge: Cambridge University Press (
16. Sullivan, J. L. , & Transue, J. E. (1999). The psychological underpinnings of democracy: A selective review on research on political tolerance, interpersonal trust, and social capital. *Annual Review of Psychology* .